

” توضیح در مورد این نشریه ”

انقلاب خلقی های ما در مرحله گرداند مبارزه توده های زحمتکش مسا حساسی از حیات خود قرار گرفته است. امروز خلق ما توانسته است سگورها بسیاری از امپریالیسم و ارتجاع را فتح کند و ما شاهد تلاش توده های زحمتکش خلق برای تعمیق ضربه بیشتر انقلاب هستیم. این در شرایطی است که دیسپله های امپریالیسم زخمی و ارتجاع نکست خورده همچنان ادامه دارد. تا بلکه بتواند آب رفته را دوباره به جوی باز

پیکار

ارگان سیاسی تبلیغی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

قیمت ۱۰ ریال

سال اول شماره ۱
شنبه ۸ اردیبهشت ۵۸

لجریز پکنی کمیته مرکزی خائن ضرب توده

پیرکفتاران خائن کمیته مرکزی حزب توده بعد از سالها خارج نشینی و ارتزاق از دست اربابان روزنیست خود، اینک برای توطئه چینی و خرابکاری در جنبش خلقهای ما، بتدریج بایران باز میگردند. اینها که در حیوچه نبرد در کشاکش جنگ طبقاتی، خلق های قهرمان ایران و مبارزان ضدی حزب را در مقابل ارتجاع درنده و امپریالیست های

ابتکار انقلابی آیت الله طالقانی

ابتکار و خلاقیت نویسنده های دها در طی ماههای پرتلاطم انقلاب که نامی سیستم های اداری رژیم سابق بکلی فلج گشته بود، اشکال نویسی از اعمال حاکمیت مردم آفرید که بدور شوراهای دهقانی در دهات و شوراهای کارگری در کارخانه ها

گرامر باوید مجازین شهید

در ۳۰ فروردین ماه سال ۵۱ مجاهدین شهید علی باکری، محمد بازرگانی، علی میهن دوست، ناصر صادق و علی اصغر منتظر حقیقی شهید رسیدند. مجاهدین شهید ناصر، علی، محمد و علی میهن دوست، پس از اینکه در بیدادگاههای نظامی شاه جلا شدند، بقیه در صفحه ۲

در باره مسئله ملی

توسط عناصر ارتجاعی و عمال رژیم سابق و همچنین اقدامات تحریک آمیز و غیر مکرراتیک بعضی از کمیته ها که عناصر ارتجاعی و حتسی ساواکی و مزدوران رژیم سابق در درون آنها رخنه کرده اند، آفریده شد. اگر چه نیروی ناجوانمردانه را به خلقهای این مناطق تحمیل نموده و صدها تن را بشهادت رسانید، موضوع ملیت را بر سر زبانها انداخت و هنوز هم در کوچیک و بازار، کارخانه و دانشگاه و حتسی محفل های خانوادگی از این موضوع بقیه در صفحه ۲

در حالیکه خلقهای ایران پس از مبارزهای خونین و دلاورانه، خود را برای استقبال از اولین بهار آزادی و خالی از سایه شوم سلطنت آماده می ساختند، حوادث خونین کردستان و بدنهال آن ترکمن صحرا سوگ جدیدی آفرید و هاله ای از اندوه و تأسف بر فضای میهن مان گسترده. این حوادث اگر چه قطعا و یقینا اقدامی ضد انقلابی و در جهت تخطئه و لوث کردن خواستها و مبارزات بحق خلقهای کرد و ترکمن در جهت احقاق حقوق ملی شان بود و اگر چه

اجتماع کارگران بیکار و اخراجی شرکت ساختمانی آرمه

وضعیت شرکت : شرکت ” آرمه ” یک شرکت ساختمانی است و با شرکت ” ستا ” شریک میباشد. هم اکنون چندین پروژه از جمله اتوبان تهران - شهر - مرک الکباتان، ونک و غیره را در دست اجرا دارند که البته تا تمام مانده، رئیس شرکت ” ملک زاده ” نام دارد که در حال حاضر در زندان کمیته می باشد. بگفته یکی از کارگران حدود ۱۰ میلیارد تومان ثروت دارد که بیشتر آنرا از کشور خارج کرده. سرپرست شرکت هم ” نهاوندی ” نام دارد که قبلا توسط کارگران به کمیته تحویل داده شده بود که بعد از آزاد

راسمانی کارگران اصفهان را بنحون کشیدند

حدود ۲۰۰ نفر بودند در حالی که در خانه کارگران اصفهان جمع شده بودند، خواستار رسیدگی فوری بود و بقیه در صفحه ۳

کارگران بیکار اصفهان، از دوماه پیش مرتباً خواستار ” کار ” و رسیدگی به وضع خود از طرف دولت شده اند و روز پنجشنبه ۱۶ فروردین، کارگران که

فرخنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

توضیح در.....

بقیه از صفحه ۱
در چنین شرائطی لازم است که
مسایل روز برای توده های زحمتکش
و د مکرتهای انقلابی آنطور که هست
توضیح داده شود و بدین ترتیب به
تربیت روزمره سیاسی آنان همت گماشته
شود. بهین لحاظ سازمان ما همواره
کوشش کرده است با صدور اعلامیه و
تراکت، این وظیفه را انجام دهد.

از آنجا که این شیوه کار بخیس
نمی توانست این مهم را عملی سازد، ما
بعد از این کوشش بیکم از طریق این
نشریه، این مهم را انجام دهیم
و دیدگاههای خود را نسبت بمسائلی
که با زندگی و حیات اقتصادی، سیاسی
و اجتماعی خلقهای ما و نیروهای
وابسته به آنها در رابطه قرار دارد -
توضیح دهیم، و موضع خود را نسبت
باین مسایل در حد توان خود روشن
سازیم.

گرمای باو و مجاهدین.....

بقیه از صفحه ۱
حق طلبانه خلق را سرد اندود لیرانه
از منافع زحمتکش دفاع کردند، به
دستور شاه خائن روانه میدان تیرشد
و عاشقانه در راه خلق خود به شهادت
رسیدند.

مجاهد شهید علی اصغر منتظر
حقیقی در حین یک درگیری مسلحانه
بامزدوران کیمه مشترک به شهادت
رسید، و با خون خود در یکی از سیاه
ترین دورانیهای تاریخ میهنمان نهال
آزادی و استقلال را آبیاری کرد.
یادشان گرمی باد

داو کا بهار انقلابی تحمی خواست توده.....

بدنبال توقف کوتاهی که در
جریان کار دادگاه های " انقلاب عدل
اسلامی " بوجود آمد و در پی پنهان
آبت الله خمینی که بیانگر خواست
توده ها بود، این دادگاه ها با نقلاسی
به کار خود ادامه داد و با حکم خود
تعدادی از خائنین به خلق و جنا
بت کاران وابسته به رژیم شاهنشاهی
هی باقی و امیرالایسم را معدوم با
خت علنی کردن دادگاه های اخیر
یکی از خواستهای مردم مبارز بود
که بدست به آن پاسخ داده شده.
وجود این دادگاه ها و احکام مادره

اینگار انقلابی.....

بقیه از صفحه ۱
و همچنین شوراهای کمیته های محلی
در شهرها استقرار یافت. سازمان
ما که از ابتدای امر پشتیبان جدی
شوراهای بوده و همواره فکر ایجاد
و تقویت اینگونه ارگانهای توده های را
وسیعاً تبلیغ کرده است، اکنون
با اشتیاق فراوان و همصدا با همه
شیفتگان آزادی، از ابتکار حضرت
آیت الله طالقانی در جهت ایجاد
شوراهای محلی برای اداره امور
که با تأیید حضرت آیت الله خمینی
نیز روبرو شده است، استقبال نموده
و بدین وسیله پشتیبانی خود را از این
اقدام انقلابی که در صورت اجزای
اصولی و درست آن، میتواند گامی
مثبت در جهت دمکراتیزه کردن حیات
سیاسی کشور باشد، اعلام میدارد
و امیدوار است که گام بعدی نیز در
راه برسمیت شناختن شوراهای کار-
گری و دهقانی که هم اکنون توسط
کارگران و دهقانان در برخی از کار-
خانه ها و روستاها تشکیل شده است
برداشته شود.

درباره سئو.....

بقیه از صفحه ۸
همواره به خلقها تحمیل شده است.
ناگفته نماند که در طول این سالها
خلق فارس نیز بسان دیگر خلقهای
میهن مان همواره زیر همیز فشار
و استثمار رژیم پهلوی قرار داشته
است. در این میانه فئودالها و
عناصر ارتجاعی ملیتها دست در
دست و هم دوش رژیم به این ستم و
استثمار جامه عمل پوشانده اند.
شکست فاشیسم جهانی که به
پهای دلاوریها و جان بازی های
بیشائیه و با بجا گذاشتن سسی
میلیون شهید بگف آمده بود، بر-
ارتجاع جهانی ضربه سختی وارد
کرده، پرچم ظفر نمون خلقهای جها
ن را برافراشته ساخت. در این دوره
مبارزات ضد امپریالیستی در میهن ما
نیز همای سراسر جهان اوج نویی
یافت. جنبش های ملی درآزربا -

آز آن همان قدر که مورد پشتیبانی
نی خلقهای ماست و همان قدر که
دلای خانوادگی شهدا و زندانید
ن سیاسی را تسلی میدهد همان
میزان دشمنان خلق های مایعنی
امپریالیسم جهانی را نگران و
مضطرب میسازد. ولی نه اعتراضات

بیجان و کردستان پا در مرحله
تازه ای گذشتند که حاصل آن
آن تشکیل جمهوری های د مکرتهایک
آذربایجان و کردستان در سال
۱۳۲۵ بود که در صورت وجود یک
رهبری انقلابی و پیوند آن با
جنبش های د مکرتهایک و ضد امپریا-
لیستی سراسری ایران می توانستند
نقش بس والائی در پیروزی بر ارتجاع
و امپریالیسم ایفا کنند. اما رهبری
اپورتونیستی و شونیستی جنبش
آذربایجان و ضعف و نبود رهبری
انقلابی سراسری - که در اساس با
خیانت رهبری حزب توده مشخص
میشد -، این مبارزات را با شکست
مواجه ساخت، در مقابل یورش
ارتجاع به تسلیم کشاند. در این
دوره پیروازی ملی ایران اگرچه در
وجود رهبرانی چون مرحوم دکتر
محمد مصدق نقش متری و مبارزی
در صحنه سیاسی کشور و بخصوص
در جریان ملی شدن نفت ایفا
میکرد ولی باز همان ضعف و ناتوا-
می طبقاتی را بر پیشانی خود
داشت. از همین رو نیز نسبت به
جنبش های ملی درآزربا و بیجان و
کردستان نقش پاسیو و بی تفاوتی
ایفا کرده و حتی همصدا و ساز
با رژیم شد. پیروازی اگرچه مداوم
از آزادی کامل و برابری ملیت
ها در برابر همدیگر بدون هرگونه
برتری و امتیاز نسبت به یکدیگر
در حقیقت اعتقاد طبقاتی خود را به
اطاعت کلیه خلقهای ایران از " فار-
سیها " نشان داد. و البته قیصر
از این هم چیزی دیگری نمیتوانست
در مخیله پیروازی بگنجد.

خلقهای ایران که بار همه
سنگری و زور گوئی و شونیسم رژیم
بر دوش آنها قرار دارد هیچگاه آرام
نه نشستند و برای گسستن زنجیر
های اسارت و بندگی از پای خویش
و دفاع از حقوق ملی خود همواره
رزمیداند و در این راه مبارزات پر
شور و فاکارانه ای از خود نشان
دادند.

این مبارزات همواره بر علیه
رژیم و حاکمیت امپریالیسم بوده با
مبارزات د مکرتهایک ضد امپریالیسی
سراسری خلقهای ایران بطور
ارگانیک بهم گره خورده، کالبد
واحدی را ساخته است. تحقق
خواستهای د مکرتهایک و تأمین حقوق
ملی بدون شکست و نابودی قطعی
سلطه امپریالیسم ممکن نیست و خلق
های ما با این تجربه را نمودند

مقامات " ضدش " آمریکا و نه تری-
های آتای زیسکاردستن و نه جاره
جنگلهای تبلیغاتی غرب هیچکدام
قادر نیستند از ادامه کار این داد-
گاه ها که در جهت برآوردن خواست
خلقهای ماست جلوگیری کنند.

بدین لحاظ همراه با اوج گیری و
اعتلای نویی مبارزات انقلابی در یک
ساله اخیر، خلقهای ایران همگام
و هم صدا و مردانه بپا خاستند تا به
حاکمیت پنجاه ساله امپریالیسم بر
میهنمان خاتمه دهند. آنها در این
مبارزات مردانه آفتاب درخشان
ایران آزاد و د مکرتهایک را میدیدند
که سالیها زیر ابر تیره سلطه امپریا-
لیسم پنهان مانده بود. آفتابی که
با حفظ و بقای سلطه امپریالیسم
تنها میتواند رویانی شرین و آرزونی
والا باشد. ایران آزاد و د مکرتهایک
که از اتحاد آزادانه و از روی میل
خلقهای ایران تشکیل شده باشد
، تنها در صورت نابودی کامل سلطه
و نفوذ امپریالیسم ممکن است. از
اینرو و نیز خلقهای ایران باشور
و غم راسخ و در مبارزه ای جانانه
گرد هم آمدند و در راه تحقق سئو
مشترک و عمومی رزمیدند و همه
دیدیم که چگونه رعد آسا مبارزات -
اوج گرفت و گسترش یافت. و باز
دیدیم که چگونه قیام مسلحانه و
متهورانه بهمن ماه سلطنت را واژگون
ساخت.

بدنبال این قیام و مبارزه
حماسه آفرین و از میان شعله ها
و دود و باروت میدان نبرد ویر زمین
ضعف و نبود سازماندهی انقلابی -
توده ای " دولت موقت " و ارگانهای
دیگر نظیر " کمیته ها " به حاکمیت
رسیدند. امید و خواست خلقهای
ما این بوده است که حکومت فعلی
بتواند از دست آورد های انقلابی
آنان پاسداری کند و در جهت تحقق
بخشیدن به آرمانهای انقلابی
توده ها گام بردارد.

خاندان سخن برای کارگران که شرطینخواه.....

مگر کارگری که سابقه کم
دارد و تازه استخدام شده است
نباید دارای مکن و سربانه سرای
خود خوانده اش باشد؟ مگر میزبان
حقوق و کمزبانی آن میتواند شرط
داشتن یا نداشتن مکن و سربانه
باشد؟ مگر داشتن سربانه، یعنی
اولین نیاز طبیعی یک انسان نیستی
به تعداد فرزندان دارد؟ اگر این-
طور نیست و داشتن مکن حق مسلم و
ایندائی یک کارگر است پس چرا کار-
فرمای جنایت کار روزا لوفت کارون
(نوشتر) شرطی را بالا برای مکن
کارگران گذاشته است تا از ۳۵۰
کارگر فقط تعداد انگشت شماری از
آنها بتوانند اصدا حفا به بخوند.
مکن برای همه خواست فوری
کارگران است

اجتماع کارگران پیکار.....

بقیه از صفحه ۱

خبری نشده. اکثر کارگران در این مدت بیکاری زندگی خود را با قرض کردن گذراندند. کارگری میگفت: "فقط ۱۸ تومان دارم و با این پول باید یک خانواده ۵ نفری را بگردانم و دیگر نمی توانم قرض کنم، چون کسی دیگر نمائند که بمن قرض بد- هد. اکثر کارگران این شرکت شهرستانی هستند و بخاطر دریا- فتبول به تهران آمده بودند. در ساعت ۱۰/۴ دقیقه مسئول کمیته امام به همراه چند فرد مسلح برای جواب دادن به کارگران آمد. مسؤل کمیته در اول سخنانش به کارگران گفت که عدای فرصت طلب و ضد انقلابی در میان شما هستند که میخواهند شما را تحریک کنند و اغتشاش برپا دهند. خصوصا اینکه دفتر شرکت نزدیک دانشگاه میباشد کارگران به او جواب دادند: ما همه همدیگر را می شناسیم و هیچ اخلا- لگری بین ما نیست. سپس در پاسخ کارگران که خواستار پول خود بودند گفت که فعلا رئیس کارخانه زندانی هست و پولی موجود نیست که بشما بدهیم و سعی میکنیم که برای تان تهیه کنیم. اما اینکار احتیاج به وقت دارد، ماشینهای شرکت را هم نمی شود بفروشیم چون متعلق به ۳۵ ملیون نفر دیگر است؟ اینابر این شما باید فرصت بدید و حد اقل مدتی که برای اینکار لازم است ۱۵ روز می باشد، پس شما بروید و ۱۵ روز دیگر بیایید.

صحبتهای مسؤل کمیته با اعتراض کارگران رو برو شد، چون کارگران فهمیده بودند که فردا، پس فردا هرگز تمام نمیشود و آنها همچنان بدون پول باقی خواهند ماند. ولی مأمور کمیته با پرخاش و دلیلهای غیر منطقی سعی داشت آنها را ساکت کند. طرز رفتار مأموران کمیته

با کارگران بسیار بی ادبانه و تحقیر آمیز بود. بعد از سخنان مأمور کمیته عدای از کارگران رفتند و تعدادی هم ماندند و گفتند تا به خواستههای ما جواب قطعی داده نشود از اینجا نمی رویم. بعد از ظهر ساعت ۴ کارگران تصمیم گرفتند به وزارت کار بروند سه نفر نمایند هم از میان کارگران انتخاب شدند، کارگران که حدود ۷۰ نفر بودند با دادن شعارهایی از قبیل "حقوق کارگر پرداخت کرد" "باید کارگراخراج کرد" "زنجیر مسلمان پیروز است" "کارگریروز است" "سرمایه دار نابود است" "کارگر کارگزند میباید کار تویم"، بطرف وزارت کار راه افتادند.

در وزارت کار نمایندگان به داخل رفتند تا با مسؤلان صحبت کنند، در اینجا هم رفتار مأموران کمیته بسیار بی ادبانه بود و حتی یکی از مأمورین روزنامه "کار" را که یکنفر می فروخت پاره کرد. (که البته بعدا پولش را پرداخت کرد در وزارت کار به کارگران هیچ جوابی داده نشد و بهانه آوردند که مسؤلان نیستند و وزارتخانه تعطیل است و غیره.

کارگران از این وضع بسیار ناراحت بودند و شدیداً اعتراض کردند. سرانجام تصمیم گرفته شد که کارگران تا فردا صبر کنند و روز ۱۹ فروردین در محل شرکت جمع شوند و در صورتیکه به کارشان رسیدگی نشود در محل وزارت کار متحصن بشوند.

راستی کارگران اصفهان.....

بقیه از صفحه ۱
در خانه کارگر "مصحف" معاون استانداری اصفهان، برای کارگران صحبت کرده و آنها را تهدید میکند که اگر در اصفهان تظاهرات کنند آنها را بگلوله خواهد بست. خبرنگاری که به آنجا آمده بود، کارگران را ضد انقلابی میخواند. این نحوه برخورد ها موجب ناراحتی و خشم کارگران شده

و متقابلا افراد کمیته دست به دخالت زد و برای متفرق کردن کارگران شروع به تیراندازی هوایی میکنند. آنها همچنین تهدید میکنند که نمایندگان کارگران را دستگیر میکنند. کارگران بناچار برای روز شنبه ۱۸ فروردین قرار میگذارند در خانه کارگر جمع شوند و تا جواب قطعی نگرفته اند از آنجا بیرون نروند.

در روز شنبه نزدیک به ۱۰۰۰۰ کارگر در خانه کارگر جمع میشوند و تا ساعت ۱۰ صبح صبر میکنند ولی هیچ یک از مقامات دولتی و کمیته برای روشن کردن وضع کارگران، نیامند، در نتیجه کارگران تصمیم میگیرند دست بر اهیم، بزنند.

پس از طی مسافتی، موقعی که کارگران به باشگاه کارگران رسیدند در آنجا "مصحف" آمده و به بهانه نبودن بلندگو اینکه صدایش گرفته! میخواست سر کارگران را شیره مالیده و از دادن جواب به آنها خودداری کند. او پس در حالی که تلفن کردن به تهران و رساندن خواسته کارگران را به گوش مقامات تهران دستاویز کرد، سعی میکند از جمع کارگران دور شود. اما کارگران به او اعتراض میکنند که تلفن در باشگاه کارگران وجود دارد و احتیاجی برفتن به استانداری نیست، ولی او هر طور شده می رود.

ساعتها از رفتن معاون استاندار گذشت و خبری از او نشد، کارگران که از این همه سرد و اندن هابخشم آمده بودند، دست جمعی به استانداری حرکت کردند. در بین راه، عدای از دانش آموزان و عناصر فیر آگاه که فریب عناصر ضد انقلابی را خورده بودند، با شعار کارگر، کشاورز، اسلام حامی توست جلوی کارگران را گرفته و به توهین و فحاشی به کارگران میپردازند. باتمام مشکلات، بالاخره کارگران به استانداری میرسند، اما در آنجا هم همان عناصر نا آگاه و فریب خورده می که ادعای مسلمان بودن و حامی کارگر

بودن را میکردند با سنگ و بار کارگران حمله برد و به کتک زدن آنان میپردازند. کارگران زحمتکش که خشمگین شده بودند به دفاع از خود میپردازند، اما مأمورین مسلح کمیته که تا آن موقع آنجا ایستاده بودند و کوچکترین کاری برای جلوگیری از حملات ناجوانمردانه عناصر فریب خورده نمیکردند، دست به اسلحه برده به تیرانداز میپردازند. کارگران که دیگر کاملاً صبرشان لبریز شده بود و از همه طرف مورد حمله واقع شده بودند، شروع به کندن درختان کنار خیابان برای دفاع از خود شان میکنند. در این موقع تیراندازی هوایی مأمورین کمیته امام، تبدیل به زمینی میشود و در نتیجه ۳ نفر از کارگران بشدت متضرر میشوند و



رئیس هیئت مدیره توفیقیان

ناصر توفیقیان، دانشجویدانشگاه اصفهان که در خانه کارگران کارگری متغول بود بطور ناجوانمردانه ای از پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفته و شهید میشود. کارگران که بسیار از آنها متفرق شده بودند سرانجام به داخل استانداری رفته و در آنجا به تحصن نشستند. اما از آنجا که اول تعداد کارگران متحصن خیلی کم بود و ثانیاً در اثر تبلیغات شدیدی که بر علیه آنان شده بود، کارگران را بر عدم، ساواکی و ضد انقلابی معرفی کرده بودند، از همین جهت به تدریج تعداد متحصن برداشته و دنبال جریان را فرار بگیرند. روز بعد کارگران در باشگاه کارگران جمع شده و به عنوان اعتراض به کشتار دیروز دست به تحصن زدند. هر لحظه که میگذشت بر تعداد کارگران متحصن افزوده میشد و کارگران بیشتری به جمع آنها میپیوستند. بروی چارچہ بزرگی نوشته شده بود "درد بر شهید" بقیه در صفحه ۴

پیشرو سوراخا در حزب طبقه کارگر

راہمائی کارکران اصفہان.....

راه ما ناصر توفیقیان، بقیه از صفحه ۳

یکی از کارگران متحصن باصدای بلند صحبت کرد و گفت: ما دیروز دیدیم که چه کسی ضد انقلاب است. ما، یا افرادی از کیمته که بسوی ما تیراندازی کردند؟ ما دیدیم که در برابر خواسته های محق ما، چه دادند؟ بلیغتها، باگلوله دادنند. فهمیدیم که ما کارگران برای عدست آوردن حق مان باید مشکل شوم و خود مان برای خود مان کار کنیم.

کارگران همگی گفته‌های وی را تا
فید کردند و در این موقع آیت‌الله
طاهری یکی از روحانیون اصفهان
بیان کارگران آمده و شروع به خواندن
و هیداد دادن به آنها کرد و اما با
اعتراض کارگران مواجه شد و یکی از
نماینده‌گان کارگران به او گفت:
"دیگر حرف پس است، ما عمل می‌خواهیم."
کارگران نیز حرفهای نماینده‌شان را
تائید کردند.

طاهری نیز شروع به تهدید کرد و کارگران نمود و گفت : اگر خواهید
اقتضای شما را ، معلوم میشود اعتضای
هستید و میخواهد اعتضای راه بپندارد
این تهدید طاهری شبیه همان
حرفهای بود که رژیم تبلی بمخالفین
خود میگفت و یاد ر حکومت نعلی هم بار
ها سخنگوی دولتو ۰۰۰ بکارگران نسبت
داده بودند ، مورد خشم کارگران واقع
شد و سروصدای آنها را در آورد ، طاهری
که دید هوا پس است ، حرفش را عوض
کرده و گفت : " منظور من همه شما نبودم !
بلکه عناصری را میگویم که کمونیست هستند
و ضد انقلابی اند و داخل شما نفوذ کرده
اند ، و شما را تحریک میکنند که اعتضای
کنید .

ظاهری بدون آنکه بفهمد دوباره همان حرفهائی را تکرار کرد که بار اول زد. می‌داند این فعالیتها حق طلبانه را اگر این اغتشاش خواند می‌داند، می‌داند اگر کارگران با اعتراض می‌کنند دوباره اینجایی ازار کارگران پشت تریبون رفته و گفت: ما به تمام روحانیت اصفهان اعلام میکنیم که ما کارگران کمونیست شدیم (این حرف با خنده و تشویق کارگران روی و

کارشان سودآور و به انباشت سرمایه - سرمایه داران کمک کند ، پس میبینیم که زندگی کارگر و خانواده اش در ارتباط مستقیم با سودی است که از دسترنج او بجا ب سرمایه دار سرازیر میشود .

یعنی وقتی سرمایه دار تشخیص میدهد که سرمایه اش مثلاً در رشته تولید کفش سود زیادی بهمراه ندارد ، بهتر است که سرمایه اش را در معاملات زمین بکار ببندد از مدعیان زمین بچون هدف سود است و تنها سود ، چه اهیستی دارد که کارگر تنها منبع درآمد خود و خانواده اش را که همان فروش نیروی کار خویش است از دست بدهد .

در جامعه سرمایه دار استثمار کارگر فقط در رابطه با فروش اربان نیروی کارش خلاصه نمیشود ، مارکس این معلم بزرگ طبقه کارگر در اثر معروف خود " مانیفست حزب کمونیست " میگوید : همینکه استثمار کارگر بدست کارخانه دار پایان میپذیرد و کارگر سرانجام مزد خویش را به نقد دریافت میدارد ، بخشهای دیگر بورژوازی یعنی صاحبخانه ، دکاندار ، گروگیر و غیره بر او هجوم میبرند .

زندگی کارگران در جامعه

سرمایه داری سراسر در تشویش و -
دلهره و نگرانی میگذرد. نگران
از فردای مبهم خود و فرزندانش
نگران از آینده ای تاریک که هیچ

یک بیماری کوچک برای خود و یا یکی از افراد خانواده اش می‌تواند موجودیت زندگی آنها را مورد تهدید جدی قرار دهد. یک بیکاری حتی کوتاه مدت قادر است به همه یس- انداز: زندگی چندین ساله کارگرش

خاتمه داده به افلاش بکشاند .
نظام سرمایه داری با آن دبدبه
و کیکه اش با آن سلسله مراتب
اداری و قوانین بظواهر کارگش بر
پایه آنچنان روابط نابرابر و ظالمانه
ای برقرار است که در هیچ یک از
دورانهای تاریخ بشری نظیرش را
نمی توان یافت .
آری کارگر آزاد است ، آزاد است

قرارخواهند گرفت.

می بینیم که آقای بازرگان نخست وزیر موقت انقلاب بدون برداشتن کلاه حاکمین قدهی در راه منافع طبقه کارگر در پیام روز ۲۶ اسفند خود خطاب به کارگران میگوید: "اینکه از کارگران عزیز انتظار دارم که با کار بیشتر وتلاش پرثمر برای سرمایه داران"، وفاداری هرچه بیشتر، رعایت ساعات کارمقرر در کارخانجات برای سرمایه داران"، مایه گذاردن از دل و جان برای بهبود هرچه بیشتر کار برای سرمایه داران" از هرگونه ضایعات وتلافی وقتکس از وظایف اولیه یکایک شمامست در راه سازندگی کشور" برای سرمایه داران" پیش از پیش کوشا باشید:

تغییرات سطحی و مختصری کمدر
روئای اجتماعی جامعه ایجاد نموده
ایم هیچ گونه تغییری در زیربنای آن
که همان شکل مالکیت وسایل تولید
است نداده ایم، مبنی بر سرمایه
داران حریص تراز گذشته بر مسند
خود تکیه زده و فرمان میرانند، تنها
این تفاوت که این بار از جانب دولت
بوقت انقلاب حمایت میشوند و-اینا
به رشی به چهره و تسبیحی در دست

سرمایه از کجا بدست میآید
و منشأ پیدایش آن چیست؟ بایسن
سؤال یکی از کارگران مبارز کارخانه
کبریت سازی توکلی تبریز در جریان
یکی از اعتصابات اخیرشان بصاحب
کارخانه که پکارگران میگفت: «بغیر
از ضرر چیزی از این کارخانه عاید ما
نمیشود» پاسخی روشن که مبتنی بر
مشاهدات و تجربیات ۳۵ ساله کارگری
اش میباشد داده است.

ارند . میبینیم که دولت موقت نمتنها
میچگونه اقدامی که خاطر مبارک
سرمایه داران را مگر رکن انجام
داده است ، بلکه فرمانی مبنی برعدم
پرداخت هزینه انبارداری توسط مزایه
دارانی که اجناس وارداتی شان بظاهر
میتاب کارگران بناد وگوگرکات ترخیص
شده بود صادر میکند که مباد ازبانی
توجه آنهاشود و متعاقب آن طی
اطلاعیه ای به حاشیه نشینها ، زافسه
نشینهای تهران و شهرستانها اخطار
شود که آپارتمانها و زمینهایکمتوسط
بمال جانیکنارروم و اعضای خاندان
بگین پهلوی غضب شده بود و اینک به
سرف مردمی که سالها در بد ریخته
و شی راحمل کرده اند درآمد تخلیه
ایند که از گناهان کبیره استوحتی در
بورت عدم تخلیه تحت تعقب قانون

بقیه از صفحه ۱

سخن می گویند و درباره علت و
چگونگی حوادث و سرانجام آن جو
یا می شوند. از همین رو پرواض
است که بحث جدی و اصولی در
اطراف مسئله ملی ضروری است و
این ضرورت را چندان میگرد،
هرگاه در نظر داشته باشیم که
تداوم و تکرار طولانی و ۵۰ ساله
آموزشهای ارتجاعی - فاشیستی رژیم
که در شرایط ضعف فطرت نیروهای
انقلابی و مترقی و لاجرم ضعف
و فقر فرهنگ و ادبیات انقلابی
صورت گرفته از یکطرف و تومسات
کثرت بسیاری از توده ها در پیروی
از نظرات غیر مکتاتیک رایج از طرف
دیگر، بدون شك تاثیر منفی خود
در ذهن توده ها پخشیده و
امروزه اثرشخی این آموزشهای
ارتجاعی در ناگاه های و ناروشنی بس
مسئله جنبش های ملی و اصول خود
"ملیت" رپیشگاه توده های مردم
و همچنین عدم تربیت آنها با روح
دفاع قطعی، و پیگیر و جسورانه از
برابری کامل حقوق و برابری کامل
کلیه خالقها با حق ملیت ها در تعیین
سرنوشت خویش با وض هر چه
بیشتری خود را نشان میدهد و
نشان می دهد که چگونه بخش وسیعی
از توده های نا آگاه مایه تمال
نظرات ارتجاعی در این زمینه
بقیه در صفحه ۶

کارگران با اعلام همبستگی و حمایت خود از سایر رفقای بیکار رشد خود نشان خواهند داد که بخوبی درک کرده‌اند که بیکاری در نظام سرمایه‌داری شتری است که برد رخانه هر کس خواهد خوابید. مفهوم بیکاری تنها محرومیت و فقر و فلاکت انهایی را که کار ندارند نیست، بلکه این امر وضع تمامی کارگران شاغل را نیز خیم میکند، بخاطر اینکه سرمایه‌داران از وجود این بیکاران هموار و مانند جماعتی بر علیه کارگران شاغل استفاده نموده بدام آنها را ضمن تشدید استثمار بپائین آوردن مزدشان تهدید باخراج میکنند به همین علت است که سرمایه‌داران علاقمندند که همیشه لشگری از کارگران بیکار در ریش و درکارخانه تصفیه‌کنند. میگوید کارگران بیکار رمثابه -

حال که کارگران خود جناب وزیر
را متوجه بد بختی بزرگی که ماههاست
گریبانگیر خود و خانواده هایشان شده
است ، نمود مآند و یادآور شده اند
که شما بنابه مسئولیتی که بعهده
دارد باید بوضع ما کارگران بیکار
رسیدگی کنید .

جناب آغا‌ی‌زیرمیکوید :۳ اراستا
خلیج فارس کسی از مادر زاده نشده
است که بمن یابید بگوید "ایکاش جناب
وزیر بماندازه سرسوزی درک میکردند
که کار چیست، کارگر چیست، و بیکاری
کدام است. جناب‌زیر فراموش میکنند
که این باید از طرف هزاران کارگر
بیکار و حمایت و پشتیبانی یکپارچه همه
کارگران ایران گفته میشود یعنی قدرتی
که بزرگترین نیروی سرکوبگر منطقه را تار

مستحکم باد بمبستگی نیروهای انقلابی خلق

مبارزه

بقیه از صفحه ۵

کشیده میشوند. موضوع از نظر دیگری نیز اهمیت دارد و آن تکیه بر جنبه طبقاتی مبارزه خلقها برای رسیدن به حق تعیین سرنوشت می باشد که بخصوص در شرایط کنونی می تواند در قالب یک ناسیونالیزم بورژوازی و خود مختاری بورژوازی نیز درآید. مابا تائید اندامات و تشاهای کلیه نیروهای انقلابی و مرفی در این زمینه و تاکید بر فعالیت های هرچه گسترده تر و هرچه اصولی تر، در این مقاله سعی خواهیم نمود در حد توان خود به روشن شدن موضوع یاری رسانیم. باشد که انقلاب خلقهای ایران گام دیگری در جهت ریشه کن ساختن سلطه و نفوذ امپریالیسم و بسط و تعمیق د مگراسی مردمی به جلو بردارد. بهتر است قبل از آنکه بررسی و تجزیه و تحلیل مشخص موضوع در شرایط کشورمان بپردازیم، بدانیم مفهوم علی "ملت" و نقش و محتوی "جنبش های ملی" و همچنین برخورد و عکس العمل طبقات و نیروهای سیاسی نماینده آنها نسبت به آن چگونه می باشد.

"ملت" عبارت از توده های مردمی است که با زبان مشترک و آداب و سنن و فرهنگ خاص و یکسان خود در سرزمینی مشترک طی سالیان دراز در کنار هم زیسته و تاریخ و سرگذشت هسان را از سرگذرانیده اند. اما علیرغم اینکه توده های مردم در طول سالیان متوالی کنار هم زندگی کرده اند، در تمام دوره های تاریخی به شکل "ملت" نبوده اند.

بدین معنی که "ملت" و "جنبش های ملی" خود محصول یک دوره معین تاریخی یعنی دورانسی هستند که روابط ارباب و رعیتی (فئودالی) روبره نابودی رفته، بجای آن و در دوران آن مناسبات سرمایه داری راه ترقی و اعتلا می پیماید. از اینرو در سراسر جهان، در دورانی که سرمایه داری در راه تامین پیروزی نهایی بر فئودالیسم می باشد، ما شاهد شکل گیری توده های مردم به صورت "ملت" و در کنار آن جنبش های ملی بوده ایم و هستیم.

هدف اصلی این جنبش ها تشکیل دولت های مستقل و ملی است که در پناه ایجاد "بازارهای داخلی و ملی" بتواند رشد و ترقی مناسبات سرمایه داری و لاجرم بورژوازی را امکان پذیر سازد. از اینرو عامل اصلی در اینجا همیشه

بورژوازی می باشد. رشد و بازگانی و راههای ارتباطی، به همراه خود ترقی مطبوعات و فرهنگ روشنفکران بورژوازی را مشحون از احساسات ملی ساخته، آنان را به تلاش در باره نجات میهن و در واقع نجات بورژوازی (که در ضمن نقشی مرفی از نظر تاریخی دارد) می کشاند و بورژوازی سعی میکند با همین احساسات ملی توده های مردم را بزریر پرچم خود کشیده تحت رهبری خویش درآورد. اما در دوران حاضر که سرمایه داری جهانی وارد بالا ترین مرحله رشد خود شده و با شبکه وسیع انحصارات و امتیازات اکثریت کشورهای ضعیف و عقب مانده را بزریر یوغ خود کشیده است. جنبش های ملی ناچارند مبارزه خود را در راه ایجاد دولت های مستقل و ملی با مبارزه علیه امپریالیسم پیش ببرند این دولت های مستقل و ملی علیرغم اینکه بنفع و صلاح بورژوازی هستند اما خود بورژوازی نمیتواند توده های مردم را برای دستیابی به آن رهبری کند، چرا که تربیت توده ها با روح برابری کامل و برابری اداری کامل کلیه ملل و دفاع از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و متحد و متشکل نمودن خلقها در صف واحد برای نابودی امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آن، اتحاد و همبستگی خلقها را تدبیر کرده، د مگراسی مردمی را بسط و تعمیق میدهد و همین امر سبب رشد خلافت و ابتکار توده ها گردیده و به آنها امکان می دهد تا به آسانی از امکاناتی که بورژوازی برای آنها فراهم نموده استفاده کنند تا خود بورژوازی را سرنگون ساخته، حکومت را بدست گیرند. از اینرو بورژوازی از ترس کارگران و توده های مردم اجبارا بسوی ارتجاع و امپریالیسم خزیده به امر آزادی کامل و برابری کامل حقوق ملت ها و د مگراسی خیانت میکند. او از مردم پیش از امپریالیسم میترسد و ناگزیر از ستمگری و عدم برابری حقوق ملت ها دفاع می نماید و سعی میکند توده های مردم را با شعارهای ناسیونالیستی موهوم فاسد ساخته انقلاب را از دستیابی به پیروزی قطعی و کامل باز دارد.

اما بار اصلی اینهمه ستمگری و فقر و بدبختی بدوش طبقه کارگر و توده های مردم می آید. از این رو طبقه کارگر با تمام وجود خویش خواهان تغییر بنیادی وضع موجود و نابودی کامل سلطه امپریالیسم می باشند. آنها برای پیروزی ناگزیرند بهر قیمتی که شده کارگران و توده های زحمتکش تمامی ملت ها را به وحدت کامل رسانیده و در

صف واحد قرار دهند. از اینرو کارگران تنها طبقه ای هستند که میتوانند از آزادی حقیقی ملت ها دفاع کنند. بدین سبب از د مگراسی دفاع میکنند که به هر گونه ستم ملی و هر گونه اجحاف و برتری ملت ها نسبت به هم دیگر پایان دهد و آزادی کامل و برابری کامل کلیه ملل را در تعیین سرنوشت خویش، تامین و تضمین کند.

ایران ما از ملت های مختلفی تشکیل شده است. این ملت ها از ترک و کرد و بلج و عرب گرفته تا ترکمن و فارس هر یک با زبان مشترک و آداب و سنن و فرهنگ خاص خود طی سالیان دراز در سرزمینی مشترک کنار هم زیسته و تاریخ و سرگذشت یکسانی را از سرگذرانیده اند. در ایران دورانی که مناسبات فئودالی روبره اضمحلال گذاشته، سرمایه داری ترقی میکند، مصداق است با دوران مشروطیت. بدین لحاظ نقطه آغازین و سرمنزل جنبش های ملی و شکل گیری ملت ها به این دوران بر میگردد. بسط و توسعه با زرگانی و راههای ارتباطی و رشد و پاگیری مناسبات سرمایه داری که به همراه خود توسعه مطبوعات و فرهنگ را داشته، نتیجه ناگزیر مراودات تجاری و فرهنگی با اروپا بود. این مراودات تجاری باعث بوجود آمدن بورژوازی (عده تجاری) جوان از یکسو و نفوذ فرهنگ و اندیشه و نهاد های د مگراسی بورژوازی از جانب دیگر میشد. بورژوازی نوای صنعتی ایران در این دوره بدلیل سیاست استعماری امپریالیسم ضریات مهلکی خورده، در مقابل سیل کالا های مرغوب و ارزان قیمت اروپائی و روسی بارها توان مقاومت از دست داده، ورشکست گردیده بود و از اینرو در این دوره عمدتاً بصورت بورژوازی تجاری عرض اندام می کند. احتیاج به بازار داخلی جهت آب کردن مال التجاره خود، که دولت ضعیف بنیان و فئودالی قاجاریه که در ضمن آلت دست و غروسک سی اراده امپریالیسم بود و فئودال های محلی هم در کنار آن هر کدام ساز جداگانه ای مینواختند، نمی توانست این احتیاج را برآورده سازد. این امر بورژوازی جوان را به تکاپو و مبارزه جهت ایجاد دولت مستقل و ملی انداخت. روشنفکران بورژوازی نیز که شور و شوق احساسات ملی آنها را فرا گرفته بود، با مطبوعات و اعلامیه های خود بر توده های ناراضی مردم که از ستم ها و فشار ها و بی بند باری دولت مرکزی و فشار و جبا و لگری فئودال های محلی جان شان به لب رسیده، پای در

میدان مبارزه گذاشته بودند، تاثیر گذارده و احساسات ملی را در آنها بیدار میکردند. در این دوره اگر چه شاهد شکل گیری توده های مردم نواحی شمال غرب - بدلیل نزدیکی با ایالات مرکزی که نفوذ دولت مرکزی بود و همچنین نزدیکی به روسیه تزاری (اروپا) و رشد بیشتر مناسبات سرمایه داری و مطبوعات در این مناطق نسبت به سایر مناطق کشور - بشکل "ملت" هستیم، ولی با جنبش های ملی با مفهوم خاص آن یعنی همراه با خواست و برنامه مشخص و مستقل رهبری باشیم. به همین جهت بورژوازی نیکی "فارس" موفق می گردد اتحاد توده های مردم - دهقانان و خرده بورژوازی شهری - را بسط و خود عملی ساخته، آنها را در قالب "ملت" نجات میدهد و در حقیقت نجات بورژوازی بزریر پرچم واحد خود بکشد و در این راه بورژوازی تجاری این مناطق همدست و یار او می باشد. البته این امر نه یک پدیده اتفاقی و خلق الساعه بلکه کاملاً بر زمینه های تاریخی مشخص خود قرار دارد که بورژوازی نیکی فارس را از سابقه طولانی فرهنگی سیاسی برخورد ارسا ساخته، مناسبات سرمایه داری و رشد آنرا در مرکز قویتر و دانه دارتر کرده بود. اما بورژوازی نتوانست امر نجات میهن را تحقق بخشد و محض اینکه به امتیازاتی در قدرت سیاسی دست یافت، دست آشتی بسوی فئودال ها و عناصر رجائی دراز نموده، کلیه احساسات ملی را فروموش نموده و بدین ترتیب همراه و همدوش فئودال ها و ارتجاع در متوقف ساختن و به بند و بست کشیدن انقلاب به توطئه و تخلف نشست. تاریخ شکل گیری ملت ها را در جنبش های ملی خاص خود به دوره دیگر محول ساخت. در دورانی که استقلال ملی موجودیت یافته، راه تکامل پیمودند. انقلاب کبیر اکبر و پیروزی بزرگ کارگران در روسیه، بد عمر امپراطوری تزاری خانه داد. امپریالیسم انگلیس حاکم مطلق العنان ایران شد. آنچه مسلم است امپریالیسم "ایران" را فقط و فقط خاطر تامین، حفظ و تدایم حاکمیت کامل و بی چون و چرای خویش بر شئون اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و فرهنگی میهنان - میخواهد تا بتواند راحت و آسوده خاطر و با گدازه دستی تمام به غارت و جبا و لگری و فساد و فحش و استثمار خلق و فساد

بقیه در صفحه ۸

لجن پرانگیخته مژگنی.....

بقیه از صفحه ۱
یاری دهند، میدان را بدشمن سپردند و فرزندان خلق را در مقابل جلادان تنها گذاشتند و در خارج از کشور خود را بطور تمام و کمال در اختیار دیگران قرار دادند و رسالت تفسیر و توجیه سیاست های خیانت پیشگان روزیونیست بلوک شوروی را بعهده گرفتند. اینان در زمانیکه مردم قهرمان ما قیام خونین پانزدهم خرداد را با فدائیکاری ها و ازجان گذشتگی های خود خلق نمودند، همصدا با رژیم مزدور شاه عمل آنان و روحانیون مبارز و مردمی را تخطئه کردند و همصدا با مسکو و قیام را کار فئودالها و عاملین آنها قلمداد نمودند و در مقابل، اقدامات مثبت رژیم را ستودند. اینان زمانیکه تمام خلق های مبارز، کارگران و زحمتکشان ما با تمام وجود خود فریاد مرگ بر شاه و سرنگونی رژیم وابسته باامپریالیسم او را سر میدادند، برای یافتن روزه ای به قدرت، از رژیم شاه جلاد طلب دموکراسی و اجسرای قانون اساسی را میکردند. اینان زمانی که فرزندان راستین خلق در زیر یکی از سیاهترین و خونبارترین دیکتاتوری های تاریخ به مبارز میسلاح جریکی اقدام نمودند، مبارزه آنان را نه از یک پایگاه انقلابی و انتقادی سازنده بلکه از آثرو که این مبارزه به اصل قهرآمیز بودن مبارزه در ایران معتقد بود چیزی که نمیتوانست بعزت و ابستگی و مثنی رفیعی شان خود شایند شان باشد تخطئه نموده و مورد فحاشی قرار دادند. آری، هم اینان، امروز باریگر و با تاکتیکی دیگر به جنبش خلق ما خیانت میورزند و چنین است که حلقه کیف خود را میکشایند و تهمت خیانتکارانه و نا جوامع را می آید به سازمان انقلابی و کمیونیستی ما میزند، سازمانی که تاریخچه مبارزاتی اش و خون پساک شهیدانش بیانگر حقیقی راه و روش مردمی و ضد امپریالیستی آن میباشد، سازمانی که اعضا و کادربهای آن چندین سال در زیر دیکتاتوری سیاه

شاه خائن و در هنگامیکه ایشان در اروپا، در کنار اربابان خود با تئوری های خیانت آمیز خود به جنبش خلقهای ما ضربه میزدند، به مبارزه انقلابی مشغول بودند. اما، شما ای کسانی که میگویند مژورانه چهره نامردمی و کیف خود را در پس تبلیغات بظاهر مردمی و ایراد تهمت بدیگران، مستور دارید، بدانید که ماهیت شما بر نیروهای آگاه و راستین خلق (کمیونیست و مذهبی) روشن است و این نیروها با تمام قوا سعی خود را بکار میبرند تا ناآگاهان را نیز بر ماهیت شما آگاه نمایند و بدین ترتیب تاکتیک های رو-زیونیستی شما توان آنرا نخواهد یافت تا واقعیتان را بکم بدارد. شما انحراف گذشته بخش منسحاب از سازمان مجاهدین خلق ایران را مستمسک قرار داده و چشمان خود را بر روی مبارزه بی امان و پیروزمان بر علیه انحراف و سران منحرف سازمان و طرد و اخراج آنها و انتقاد از خود صادقانه و کمیونیستی در پیشگاه خلق تعدا افرو می بندید و فرصت طلبانید (همچنانکه از ماهیت شما بر می آید). ما را که خون خود را وثیقه پیمان ناگسستی ما با خلق قرار داده ایم به امپریالیسم آمریکا، ساواک و روزیو نیست های خائن یکن منسوب میکید تا آنهان را مشوب کنید. ولی این خیال خامی بیش نیست آقایان، به مصداق ضرب المثل "کافر همه را به کش خود بندارد" گویا در قاموس شما سازمانهایی که طوق بندگی و جاسوسی مسکو را بگردن نیندازند (همچون شما) بلاشک باید همدست و عامل روزیو نیست های خائن یکن باشند. اما خیر، آقایان، اینطور نیست. ما اگر روزیونیست های مسکو و عاملین آنها را افشا میکنیم ماهیت روزیونیست ها یکن را نیز ب مردم مینمایانیم. ما همانطور که رهبران خائن چپین را بخاطر همپائی و هم آوازی شان با رژیم شاه خائن محکم میکنیم و در همین راستا سفر هواکونگ خائن را بایران توطئه ای علیه خلقهای ایران مینامیم همانطور هم رهبران خائن شوروی را بخاطر روابط بسیار دوستانه شان با رژیم شاه جلاد و پندیرایشان را از

گرامی باد خاطر رفقای شهید



فاطمه (طاهره) میرزا جعفر عارف

جمال شریف زاده شیرازی

سید مهدی موسوی قمی

بارگبار مسلسل های مزدوران ساواک در خیابان منیر - بخون در غلطیدند. در سالهای سیاهی که دیکتاتوری خون آشام بورژوازی کمپرادور بنایندگی شاه سابق خائن، با دستگاه های عریض و طویل ساواک و شهربانی و کیسه و... یک تاز میدان بود و به شکار انقلابیون در هر گوشه و کنار میرداخت، در اواسط سالهای ۵۰ رژیم خائن شاه آخرین حداز وحشگری را در قلع و قمع مبارزات خلق ما بکار میبرد، در آنزمان که سرازیر شدن پولسهای هنگت نفت توانسته بود برای مدتی کوتاه بحران اقتصادی و سیاسی رژیم را تخفیف دهد و بورژوازی وابسته بهار خود را میگرداند، امثال این انقلابیون بودند که خشم خلق ستند - یده را منعکس میکردند و سازش ناپذیری توده های خلق ما را بارزیم سفاک نمایان می ساختند. برعکس در همان زمان، اصلاح طلبان دیروز و برخی "انقلابیون" صاحب منصب امروز مهر سکوت رضایت آمیز بر لب زده بودند. در زمانی که ملیونهای از کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان جامعه ما به وحشیانه ترسین شکی استمار می شدند و یکسدم از تعقیب جاسوسان ساواک و خطرات زندان و شکنجه و نابودی در امان نبودند، آقایان لیبرالها حسی

سه سال پیش، در اردیبهشتماه ۵۰ سه تن دیگر از رفقای انقلابی ما مهدی موسوی قمی، جمال شریف زاده شیرازی، طاهره میرزا جعفر عارف عقیقه دربار اشرف پهلوی، (همزمان با سفر هواکونگ به ایران) خیانتی علیه منافع خلقهای ایران محسوبیداریم ما (همچنانکه تمام نیروهای راستین و مردمی) همانگونه که سیاست چین را در نیلی، آنکولا، ژئیر و... سیاستی ضد خلقی و خائنانه میدانیم، سیاست های تجاؤگراانه سوسیال امپریالیسم شوروی را نیز در آنکولا، اوگاند، ارشو یمن جنوبی و... بشابه نمود هائی از سیاست های ضد خلقی و سوسیال امپریالیستی مسکو، محکم مینماییم. اما علت تهمت رد یلانه دارو دسته خائن کیهت مرکزی حزب توده به سازمان ما چیست؟ چرا اینان پس از سالها در مورد آنچه درون سازمان مجاهدین خلق ایران واقع شده بدینسان اظهار نظر میکنند و بظاهر برای سازمان مجاهدین خلق و نیروهای ما هسی سالوسانه سینه چاک میدهند و اشک تمساح از دیده فرو میزنند؟ چرا اینان بر شدت تهاجمات و تب-لیغات زهر آگین خود بر علیه نیروهای راستین کمیونیستی افزوده اند؟ و در عوض چرا روزیو بیشتر میکوشند خود را همصدا و هماهنگ با برخی نیروهای مذهبی قلمداد کنند؟ و ۰۰۰ به این سئوالات ما بعداً خواهیم پرداخت.

گرامی باد خضره...

بقیه از صفحه ۷

زحمت يك موضعگیری شفاهی را هم در دفاع از مبارزان خلق بندرت بخو میدادند. آنها با سردر لاک خود فرو برده فوج را انتظار می کشیدند و یا در ادامه سیاست زبوانه صبر و انتظار سر بیزر و یا براه بتائید مستقیم و غیر مستقیم رژیم خونخوار شاه مشغول بودند.

در آن سالها، آتش فشان خشم خلقهای ما بطرق مختلف از جمله در فعالیت های سازمانهای انقلابی مخفی تجسم می یافت که با عزم آهنین و علیضد دشواریهای عظیم همچنان به مبارزات خود ادامه میدادند. خلق ما بدستی آگاه است که هرگز نمیتوان انقلابیون صدیقی را که در آن سالها در برابر کوه مصائب سر تسلیم فرو نیاوردند و جان بر کف به مبارزه بی امان خود برای واگون کردن رژیم وابسته با امپریالیسم شاه، برای نابودی کامل تسلط و نفوذ امپریالیسم در ایران، برای آزادی کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان از بند مبارزه کردند و فرصت طلبانی که امروزه سوار بر موج شده مژورانه میکوشند خود را انقلابی جا بزنند تا ثمرات انقلاب خلق را بدزدند و انقلاب را سقط کنند مقایسه نمود. انقلابیونی را که تا آخرین نفس در راه تحقق آرمان والای خویش معنی در راه واگون و ایجاد جامعه ای دموکراتیک در راه رهائی زحمتکشان مبارزه کردند و با قبول محرومیت ها و زندگی مخفی، زندان و شکنجه و مرگ را با آغوش باز پذیرا شدند، هرگز با کسانی که تا دیروز سکوت و اودادگی خود را با صدور بهانه توجیه میکردند و امروز برای دست یافتن به میوه های انقلاب بر یکدیگر سبقت میگیرند قابل مقایسه نیستند.

سه رفیق شهیدی که در ایمن سطور کوتاه یاد آنها را گرامی میدارم

از جمله انقلابیونی بودند که طی پروسه مبارزات پیگیر و آشتی ناپذیر خود از آنجا که هدفشان رهائی میهن از قید سلطه امپریالیسم و از آن پس رهائی از یوغ اشرار بود، مارکسیسم لنینیسم این تنها ایدئولوژی رهائی بخش طبقه کارگر را پذیرفتند، زیرا تنها این مکتب فکری است که استمارا را بطور علمی تحلیل کرده راه الفبا آنرا نشان میدهد و طبقه کارگر میآموزد که چگونه در مبارزه سخت و طولانی خویش با دیگر زحمتکشان همیمان شده، آنها را رهبری نموده و از قید هرگونه ستم طبقاتی، ملی و اجتماعی رها سازد. این رفقای شهید در بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران فعالیت میکردند، بخشی که در تداوم مبارزات انقلابی خود بر علیه رژیم شاهخان در طی چند سال گذشته بیش از ۴۰ شهید داد.

زندگی مبارزاتی سه رفیق شهید نامبرده بشخص زیر بود:

۱- رفیق مهدی موسوی قمی (مجتبی) از اعضای بسیار فعال و صدیق بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران بود. او اهل زنجان و از عناصر برجسته و انقلابی جنبش دانشجویی در دانشگاه صنعتی بود. مبارزات او در بخش منشعب سرشار از خلوص و تحرک و انضباط انقلابی بود. در اردیبهشت ۵۵ طی يك درگیری با مأموران ساوا همراه با دو رفیق دیگر در خیابان منیریه شهیدات رسید.

۲- رفیق جمال شریف زاد ه سراز (جمال) عضو فعال بخش منشعب و از لحاظ تئوریک، رفیق بسیار با استعدادی بود. او قبلاً دانشجو دانشگاه صنعتی بود و در سال ۵۳ بزندگی مخفی پیوست.

رفیق جمال، ضمن سفری در جاده قم (در سال ۵۴) مورد شناسایی فردی ساواکی (که از بستگانش بود) قرار گرفت. این فرد قصد داشت او

را تحویل دو خمیان ساواک بدهد. به همین جهت، رفیق با استفاده از یک فرصت مناسب، وی را به سزای اعمالش رسانید. رفیق در کار آموزش کادرها، برخوردی دقیق و خلاق داشت و در باره مسائل سیاسی مطروحه در آن زمان، بخصوص در زمینه کار در میان طبقه، نظراتی درست داشت که اگر مورد توجه رهبری آن زمان سازمان قرار میگرفت، تأثیرات مثبتی بر جای می گذاشت.

۳- رفیق طاهره میرزا جعفر علاف

رفیق، عضو فعال و بسیار شوروی بود. او واقعا به خلق خویش عشق می ورزید. او خود، طی زندگی روزمره اش، با درد و رنج فراوانی که بر توده های خلقی روا داشته میشد، آشنا بود و سعی را که از سوی بورژوازی رژیم در حق مردم روا داشته میشد، چشیده بود و به همین خاطر، نسبت به درد های مردم، عینی بود. رفیق بخاطر آنکه بتواند به خلق خدمت بیشتری کند، مبارزه انقلابی مخفی را پذیرا شد و در طی فعالیت تشکیلاتی خویش، نهایت فداکاری را معمول میداشت. او نسبت به رژیم سرسپرد امپریالیستها کینه می ورزید و راهرهائی را با فعالیت انقلابی و سازش ناپذیر خود، با عزم استوار تا آخرین نفس ادامه داد.

کمیته جنایتکاران ساواک و شهرتانی نسبت به این انقلابیون صدیق خلق، نسبت به این نمونه ها مقاومت و سازش ناپذیری راه خلق، شکنجه های فراوانی را اعمال کرد. خونخواران ساواک، عکس از این شهیدا را در حالی که آنها را غرقه در خون خود نشان میدهد، برای ارباب مبارزین اسیر، بر دیوار شکنجه گاه کمیته شهرتانی نصب کرده بودند. این عکس پس از پیروزی انقلاب بدست خلق افتاد و در کیهان ۲۰ فروردین ۵۸ بجا پرسیده است. خدا

درباره...

بقیه از صفحه ۶

بسنجهای کارنجات خود در بازاری خالی از رقابت بیردازد. از اینرو ایرانی با حکومت مرکزی قوی برای امپریالیستها تنها در اطاعت اجباری و بزور تفنگ و سر نیزه، خلق ها از حکومت مرکزی دست نشانده او معنی و مفهوم دارد. رضا خان این نوکر حلقه بگوش، عامل و سرسپرده تمام عیار امپریالیسم انگلیس، این خواست اربابان خود را تمام و کمال به انجام رسانید. او از ابتدای حکومت نشین خود به انکار محض موجودیت ملیتها پرداخت و جنبش های ملی را تحت پوششهای عوام فریب و بظواهری تامين استقلال و یکپارچگی کشور و ایجاد امنیت در راهها و جلو گیری از تجزیه آن و یا به بهانه سرکشی خانها - در حالیکه خود بزرگترین خان ایران بود - به شدید ترین نحوی سرکوب نمود. قتل عام های که رضا خان و تیتسارهای - جلا د او در لرستان و خوزستان و ... کرده اند هنوز از خاطره ها نرفته است. پس از رضا خان پسرش با در راهی گذاشت که توسط پدرش کپیته شده بود و بر زمینه اقدامات انجام یافته قبلی، زورگوئی و ستمگری نسبت به خلقها را بیشتر - نه تر و پرده دریده تراز قبل ادامه داد. کلا باید بگوئیم که در طول ۵۰ سال حکومت رژیم پهلوی شو - نینسم فارس به ارتجاعی ترین شکلی وجه بهای قتل و کشتارهای بیرحمانه خلقها از یکسو و اشاعه آموزشهای ارتجاعی - فاشیستی حسن تحقیر نسبت به ملیتها و فارس کردن اجباری آنها و ... از سوی دیگر بقیه در صفحه ۶

خضره: این عزیزان، جاویدان باد! مبارزه انقلابی این فرزندان خلق که یکدم از مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی وابسته و رژیم دیکتاتوری - فاشیستی نمایند و آنان غافل نماندند و در راه رهائی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، خون خویش را نثار کردند، تا تحقق پیروزی آنها و اهداف زحمتکشان، ادامه خواهد یافت.

نابود باد بقایای ارتجاع و امپریالیسم